

حجاب در همسران و دختران ائمه علیهم‌السلام با تأکید بر حجاب حضرت

زهرا علیها‌السلام و حضرت زینب علیها‌السلام

فرنگیز علی‌آوا^۱

چکیده

حجاب مسئله‌ای مهم و محوری در اسلام است و جایگاه ویژه‌ای دارد. ائمه علیهم‌السلام الگوی امت اسلامی هستند و کلامشان چراغ هدایت جامعه بشری است و حجاب دختران و همسران ایشان الگویی برای زنان مسلمان است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال است که حجاب دختران و همسران ائمه علیهم‌السلام با تأکید بر حجاب حضرت زهرا علیها‌السلام و حضرت خدیجه علیها‌السلام چگونه بوده است؟ بدین منظور روایات اهل بیت علیهم‌السلام بیان و بررسی شده است. با بررسی حجاب حضرت زینب علیها‌السلام در حادثه عاشورا و حجاب حضرت فاطمه علیها‌السلام در سخنرانی‌های ایشان، این نتیجه به دست آمد که حجاب آن بزرگواران، حجاب و پوشش کامل و مطابق با آیات قرآن بوده است، اما چون برخی زنان در آن دوران حجاب مناسبی نداشتند آیاتی خطاب به زنان مؤمن نازل شد که حجاب خود را به شکل بهتری رعایت کنند.

واژگان کلیدی: حجاب، دختران ائمه علیهم‌السلام، زنان، حضرت زهرا علیها‌السلام، حضرت

زینب علیها‌السلام، حجاب در قرآن و روایات.

۱. دانش آموخته کارشناسی تاریخ اسلام از کشور تاجیکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

پوشش و حجاب از مسائل فطری است که از ابتدای خلقت، انسان‌ها به آن توجه داشتند. در دوران مختلف تاریخ دیده شده که زنان لباس‌های بلند می‌پوشیدند و پیش از اسلام نیز زنان حجابی به نام جلباب (دزی، ۱۳۸۸، ص ۲۰-۲۱) به سر داشتند و بعد از اسلام به آنها امر شد قسمت گردن و سینه را هم بپوشانند.

موضوع حجاب، موضوعی مهم و گسترده است و در زندگی انسان‌ها جایگاه خاصی داشته است. پوشش زنان اهل بیت علیهم‌السلام و تفاوت آن با پوششی که زنان در حال حاضر دارند، موضوع مورد بحث در پژوهش حاضر می‌باشد. در رابطه با مسئله حجاب، پژوهش‌هایی صورت گرفته است مانند کتاب حجاب اثر شهید مطهری (۱۳۶۸)؛ کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اثر ترکاشوند (۱۳۹۰)؛ کتاب حریم عفاف حجاب از دیدگاه آیات و روایات، تألیف رشیدی (۱۳۸۷)؛ کتاب عطر عفاف و نگرش نو بر عفاف و حجاب از طیبی (۱۳۹۱)؛ کتاب حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، اثر فتاحی‌زاده (۱۳۸۸). در بیشتر این کتاب‌ها، به حجاب همسران و دختران ائمه علیهم‌السلام به طور خاص اشاره نشده است.

۲. مفهوم‌شناسی حجاب

حجاب، واژه‌ای عربی است و زبان‌شناسان عرب برای آن، دو معنای اصلی برشمرده‌اند. حجاب به مفهوم مانع و حایل میان دو چیز است؛ خواه از امور مادی و اشیای محسوس باشد و یا از امور معنوی و غیر محسوس. دیگر اینکه حجب و حجاب به معنای منع از وصول و رسیدن دو چیز به یکدیگر است (زاغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹)؛ زیرا پوشش، مانع از مشاهده می‌شود. به دربان، حاجب گفته می‌شود؛ زیرا مانع و بازدارنده از ورود دیگران بود. اصل معنای حجاب، جسمی است که بین دو جسد حائل می‌شود (فیومی، ۱۳۷۲، ص ۴۷). در نتیجه، لغت‌شناسان، معنای ستر، حائل و پوشش را برای کلمه حجاب بیان می‌کنند (ابن منظور، ۱۳۷۵، ص ۹۲؛ جوهری، ۱۴۱۰، ۱۰۷/۱).

حجاب در اصطلاح عبارت است از: پوششی که زن در برابر نامحرم باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد و این همان پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم است. این تعریف با آیات الهی هیچ منافاتی ندارد. مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قائل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در خلال رفتارهای مختلف آنها مثل نحوه پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است. هرچند برخی معتقدند چون حجاب به معنی پرده است، اسلام خواسته است زن با حجاب باشد، یعنی همواره پشت پرده و در عزلت باشد، اما باید دانست درباره پوشش زن، کلمه ستر به کار می‌رود. پوشش زن در اسلام آن است که در معاشرت با مردان بدن خود را پوشانده و از جلوه‌گری بپرهیز کند (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۷۳).

۳. حجاب در قرآن

واژه حجاب، هفت بار در قرآن آمده است. (ر.ک.، ص: ۳۲؛ مریم: ۱۷؛ احزاب: ۵۳؛ اعراف: ۴۶؛ شوری: ۵۱؛ فصلت: ۵؛ اسراء: ۴۵) و معنای این کلمه در این هفت آیه چیزی است که از هر جهت مانع دیده شدن چیز دیگر شود (طوسی، ۱۳۸۵، ۱۰۲/۷). در آیه ۵۳ سوره احزاب آمده است: «اگر چیزی از زنان پیغمبر ﷺ خواستید از آن سوی پرده بخواهید». دستوری است که زنان پیغمبر ﷺ را نبینند و آنان از دید پوشیده باشند چنانکه چشمانشان هم دیده نشود.

۳-۱. حجاب چشم

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ، وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ ای رسول، به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بیوشانند. ای رسول خدا، به زنان بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بیوشانند». (نور: ۳۰-۳۱)

۳-۲. حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ؛ زن‌ها، نازک و نرم با مردان سخن نگوئید، مبادا آن کس که دلش بیمار هوا و هوس است به طمع افتد» (احزاب: ۳۲).

۳-۳. حجاب در رفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ و آن طور پا به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود» (نور: ۳۱).

۴. شأن نزول آیه‌های حجاب

آیات سوره نور را به دو بخش کلی می‌توان تقسیم کرد. در بخش اول، وظیفه مردان بیان شده و با خطاب «قل للمؤمنین»، مردان مسلمان به وظایف خویش فراخوانده شده‌اند. در بخش دوم، زنان مورد خطاب قرار گرفته‌اند. بعد از فرمان به مردان درباره پوشش و عفاف، در آیه ۳۱ سوره نور به زنان فرمان داده شده که خمارها یعنی مقنعه یا روسری را بر گریبان‌هایشان قرار دهند. بنابراین، هنگامی که آیه بر وجوب پوشش بدن توسط زنان دلالت کند، از این حکم آشکار می‌شود که پوشاندن بدن توسط زنان برای این است که مردان به اندام آنها ننگرند. در کتاب کافی در شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد. در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند. چهره آن زن، نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت، جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می‌کرد. ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود صورتش را شکافت. جوان، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و ماجرا را نقل کرد. در این هنگام، جبرئیل، پیک وحی خدا، نازل شد و آیه فوق را آورد: "به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند"» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۲۱/۹).

زنان عرب، نوعی روسری داشتند که از چادر کوچک‌تر و از روسری معمولی بزرگ‌تر و مخصوص بیرون بود. استفاده از روسری بزرگ در آن زمان به دو صورت بود. برخی از آن مانند لباس تشریفاتی و برخی در قالب پوشش استفاده می‌کردند. آیه ۵۹ سوره احزاب به زنان مؤمن دستور داد که

روسری بزرگ را برای پوشش کامل تر به کار ببرند و مسلمانان از آن زمان به بعد چنین کردند. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۷۴) خداوند در سوره احزاب در زمینه عفاف و حجاب، ابتدا برای زنان پیامبر ﷺ و سپس زنان مسلمان فرهنگ‌سازی کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ؛ ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو که جلباب‌هایشان را بر خود نزدیک کنند» (احزاب: ۵۹). بدین ترتیب، دایره طرح حجاب از خانواده پیامبر ﷺ آغاز شد و به زنان جامعه اسلامی گسترش یافت. در این سوره‌ها، احکام حجاب برای همه مردان و زنان مؤمن مطرح می‌شود و مخاطب آن، تنها خاندان رسول خدا ﷺ نیستند. در حقیقت، پیامبر اسلام ﷺ با معرفی نمونه عینی الگوی عملی حجاب در سطح خانواده خویش، جنبه‌های عملی و نکته‌های مهم حجاب را به نمایش گذاشت تا اجرای آن در جامعه با سرعت صورت پذیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۹۹/۱۵-۹۸).

۵. زمان وجوب حجاب بر همه

زمسخری، نویسنده تفسیر کشاف، وضع زنان را در پیش از نزول آیات حجاب چنین شرح می‌دهد: «زنان، گریبان‌هایشان گشاد و باز بود. گردن و سینه و اطراف سینه‌هایشان دیده می‌شد و داخل روسری‌ها را از پشت سر برمی‌گرداندند و قسمت‌های گردن و بناگوش و سینه دیده می‌شد.» (زمسخری، ۱۴۲۴، ص ۱۷۴) وضع زنان قبل از نزول آیات حجاب چنان نبوده است که مثل مردان، بدون روسری در اجتماع رفت و آمد کنند. بنابراین، آنچه در جامعه رواج داشت و قرآن به مبارزه با آن برخاست، پدیده بدحجابی بود نه بی‌حجابی. شواهد متعددی از قرآن، حاکی از این نکته است که در جامعه عرب قبل از اسلام، زنان برای حضور در اجتماع، پوشش مناسب و مطلوبی نداشتند. برای همین، همسران پیامبر ﷺ از متابعت آن الگو منع می‌شوند.

به نظر می‌رسد که حکم واجب شدن حجاب در سال ششم هجرت تشریح شد. شاهد آن آیات سوره نور است که داستان معروف افک در آن آمده است. در همین زمان بود که منافقین و اراذل در صدد برآمدند که با شایعه درباره زنان پیامبر ﷺ و ایجاد مزاحمت، قلب پیامبر ﷺ و

مسلمانان را جریحه دار کنند. به دنبال این اوضاع و شرایط بود که خداوند آیات مربوط به پوشش را برای بازگویی به امت نازل کرد. شواهد روایی متعدد نیز گویای این نکته‌اند که حجاب در زمان رسول خدا ﷺ واجب شد و آن حضرت با کسانی که هنوز از پوشش مرسوم گذشته استفاده می‌کردند، برخورد می‌کرد و تذکر می‌داد. در روایتی آمده است: «برای پیامبر ﷺ چند قواره پارچه آوردند. پیامبر قواره‌ای را به یکی از یاران خود داد و به او فرمود: این را دو قسمت کن. قسمتی را برای خود جامه کن و قسمت دیگر آن را به همسرت بده تا برای خود روسری کند. بعد به وی فرمود، به همسرت بگو برای این پارچه آستری فراهم کند تا بدن وی از زیر آن نمایان نباشد» (سجستانی، ۱۴۳۲، ۲/۲۷۲).

ابن سعد معتقد است که احکام حجاب، هنگام زفاف پیامبر ﷺ با زینب دختر جحش، نازل شد و این در سال پنجم هجرت بود. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ۸/۱۰۵) سوره‌های نور و احزاب از سوره‌های مدنی قرآن است. براساس نقل بسیاری از دانشمندان علوم قرآن، سوره احزاب که متعرض حوادث سال پنج هجری است، چهارمین یا پنجمین سوره‌ای است که در مدینه بر پیامبر ﷺ نازل شد. سوره نور نیز بعد از سوره نصر بر پیامبر ﷺ نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰/۳۷۶-۳۷۷). گزارش‌های تاریخی، حاکی از آن است که مسلمانان بعد از نزول این آیات، روحیه متفاوتی را پیش گرفتند و با شنیدن این آیات به ضرورت ایجاد تغییرات و دگرگونی‌هایی در چگونگی پوشش زنان پی بردند. برای همین بعد از نزول این آیات، زنان با پوشش‌های متفاوتی در اجتماع حاضر می‌شدند. (طبری، ۱۴۳۰، ۹/۳۰۵) حجاب، قبل از آنکه بین مسلمانان و ایرانیان یا رومیان ارتباطی برقرار شود، تشریح شده و پشتوانه‌ای دینی داشته است و چنین نبود که پس از تعامل با دیگر ملل، بین مسلمانان پیدا شده باشد. حکم حجاب به‌طور واضح در سال هشت هجری نازل شد.

۶. حجاب، پوشش و عفت در کلام اهل بیت علیهم‌السلام

حضرت علی علیه‌السلام در وصیت خویش به امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید: «زنان را در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان

است». (نهج البلاغه، نامه ۳۱) این کلام امیرمؤمنان، به آیه شریفه «قل للمؤمنات یغضضن من أبصارهن» اشاره دارد و جمله «واکفف علیهن من أبصارهن» که در کلام حضرت آمده است، مطابق با معنای آیه فوق است که مؤمنین و مؤمنات را به کوتاه کردن نگاه، امر می کند (نجوی، ۱۳۸۱، ص ۱۹). در روایتی آمده است: «پیامبر ﷺ از حضرت جبرئیل سؤال کرد آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود: بله. یکی از جاهایی که فرشتگان می خندند، زمانی است که زن بی حجابی و بدحجابی می میرد و بستگان او را در قبر می گذارند و روی آن را می پوشانند. فرشتگان می خندند و می گویند، تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می کرد و به گناه می انداخت، پدر و برادر و شوهرش از خود غیرت نشان ندادند و او را نپوشاندند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند، او را می پوشانند» (ابن ماجه، ۱۳۷۰، ص ۲۷۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام در ستایش عفاف، ارزش و جایگاه فرد عفیف را برتر از شهید و در رتبه ای نزدیک به فرشتگان دانسته است. (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴) جامعه اسلامی باید از عفت عمومی برخوردار بوده و امنیت فردی و اجتماعی زنان را فراهم کند. بنابراین مردان، مسلح به سلاح غیرت و زنان مسلح به سلاح حیا و متانت شده و عفت اجتماعی را تضمین می کنند؛ زیرا خدشه دار شدن عفاف، امری بس خطرناک است. براین اساس، اسلام در عمل منافی عفت، شهادت چهار نفر عادل را شرط می داند و موارد کمی مستور و مخفی می ماند و این در نظر اسلام، راحت تر است از اینکه زن عقیفه ای متهم شود.

لازم است که زنان، حجاب اسلامی داشته باشند و به آنچه خداوند دستور داده، رفتار کنند. البته چادر، بیشتر از همه حجاب ها برای زنان، عزت می آفریند. خداوند عزوجل فرمود: «وَلْيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ لازم است که زنان گوشه های روسری خود را بر سینه های خود بیفکنند» (نور: ۳۱). هنگام نزول آیات قرآن، لباس های زنان مثل اکنون جاذبه نداشت. در حال حاضر، لباس های زنانه به صورتی مزین شده که اگر زن هشتاد ساله بیوشد، مردان نامحرم را به طرف خود می کشاند (صنیعی، ۱۳۹۰، ص ۳۷). امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «پوشیده و محفوظ داشتن زن، مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی اوست» (آمدی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۷). در جای دیگر

فرموده است: «زن باید مو، سینه، دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند» (طبرسی، ۱۳۳۷، ۱۹۲/۷).
 باتوجه به اینکه در اوایل اسلام به تأثیر از دوران جاهلیت، هنوز برخی زنان به پوشش قسمت‌های
 گردن و سینه و موی خود توجه نمی‌کردند، امام علی علیه السلام در این حدیث بر این قسمت‌ها تأکید
 کرده‌اند که برخی از آیات قرآن نیز به این امر اشاره دارد. سخن امیرالمؤمنین علیه السلام، ضمن خطبه‌ای
 پندآموز است که می‌فرماید: «تلاش و همت زنان، برای زینت و آرایه‌های زندگانی دنیا و ایجاد فساد
 و تباهی در آن است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲). بی‌گمان مصداق این کلام حضرت علی علیه السلام زنی
 است که زینت‌گرایی فطری، او را به افراط کشانده و در مسیر تباهی گام نهاده است. این امر تا
 جایی پیش می‌رود که پوشش، نه برای حفاظت بدن که نوعی عرضه وجود است. برای همین این
 افراد، پوشش را نیز برای نمایاندن برمی‌گزینند. سخن تأمل برانگیز امیرالمؤمنین علیه السلام که گویا در
 آینه غیب این حقایق را می‌نگرد، قابل توجه است: «در آخرالزمان که بدترین زمان هاست، جمعی
 از زنان پوشیده، برهنه‌اند. لباس دارند، اما آنقدر نازک است گویا نپوشیده‌اند و از خانه با خودآرایی
 بیرون آیند. اینان از دین بیرون رفتگانند و در فتنه‌ها وارد شوندگان و به سوی شهوات تمایل دارند
 و به کوی لذات نفسانی در شتابند و حرام‌ها را حلال می‌دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتار
 می‌شوند» (حر عاملی، ۱۳۷۹، ۱۹/۱۶).

زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است. حفظ پوشش، نوعی احترام‌گذارن به
 زن و محفوظ نگه‌داشتن وی از نگاه‌های شهوانی و حیوانی است. چنانچه زن حدود رعايت
 نکند هر بیماردلی به او طمع کرده و با نگاه آلوده‌اش حریم زن را می‌شکند. آن شخصیتی که باید
 سالم بماند و نسل سالم تربیت کند، تحت تأثیر دیده‌ای آلوده، به گناه به طرف شهوات سوق داده
 شده و در نتیجه هویت واقعی‌اش را فراموش کرده و در چنگال بیماردلان و هوسبازان، گرفتار
 می‌آید و از منش انسانی‌اش سقوط کرده و به غرقاب حیوانیت می‌رود. امیرالمؤمنین علیه السلام، در
 جایی دیگر می‌فرماید: «زکات زیبایی عفاف است» (آمدی، ۱۳۷۵). زیبایی برای زن سرمایه است،
 اما باید به‌جا مصرف شود و زکات جمال زن، حفظ عفاف و پوشش است. مانندسازی جمال زن به

سرمایه، نشانگر آن است که از سویی، سودمند و کارآمد است و از سوی دیگر کنترل شدنی و تعدیل‌یافتنی است و اشاره است به اینکه در صورت مرزشکنی، فتنه‌انگیز و فسادآفرین خواهد بود. درباره حجاب از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «بهترین زنان شما کسانی است که وقتی با شوهرانشان خلوت می‌کنند و لباس خود را درمی‌آورند در انجام رفتارهای جنسی خجالت نکشند، ولی وقتی در حضور دیگرانند، لباس و پوشش دارند و باحیا هستند» (فتاحی، ۱۳۸۸، ص ۷۳). تبیین و تفسیر هوشمندانه این تفکر اسلامی را به روشنی در این روایات می‌توان دید. حضرت علی علیه السلام به کسانی که به عدم اختلاط توجه نمی‌کنند و در اجتماع مردان، بدون هیچ مجوزی در می‌آمیزند، هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «ای اهل عراق! به من خبر رسیده که زنان شما در کوچه و گذرگاه به مردان تنه می‌زنند. آیا حیا نمی‌کنید؟ آیا نسبت به زنان غیرت ندارید که به بازارها می‌روند و مزاحم مردان می‌شوند؟ خدا لعنت کند مردی را که غیرت ندارد» (فتاحی، ۱۳۸۸، ص ۷۳). لعنت، به معنای دور بودن از رحمت خداوند است و انسان برای کمال و تعالی و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی، محتاج رحمت خداست و انسان ملعون، دنیا و آخرت خود را از دست داده است.

مرد، پاسدار حرمت زن و نگهبان کرامت ناموس است. اعمال قدرت و قیومت که خداوند آن را برای مردان رقم زده است، زمینه این پاسداری و حراست از ساحت نوامیس است. در روایات، لزوم غیرت بر مردان تأکید شده و مردان غیور ستوده شده‌اند. (ر.ک.، شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ۳/۴۴۴؛ آمدی، ۱۳۷۵، ۴/۳۷۷) این امتیاز تا آنجاست که پیامبر صلی الله علیه و آله مشرکی را به دلیل غیرت‌ورزی از کشته‌شدن باز می‌دارد و او را می‌ستاید (مجلسی، ۱۳۸۰، ۸/۱۰۸). امام صادق علیه السلام درباره غیرت مردان می‌فرماید: «آیا کسانی که به پشت زنان می‌نگرد، نمی‌ترسند که در مورد زنان خودشان نیز به این نگاه‌های آلوده مبتلا شوند، یعنی دیگری به زنان آنها نگاه کند» (حر عاملی، ۱۳۷۹، ۱۴/۱۴۵). امام رضا علیه السلام نیز فرمود: «نگاه کردن به موی سر زنان، چه شوهردار و چه بی‌شوهر، حرام است و سبب برانگیخته شدن غریزه شهوت مردان می‌شود. این برانگیختگی، آنان را به فساد و انجام کارهای حرام و نازیبا می‌کشاند. چنانکه نگاه کردن به قسمت‌های دیگر بدن نیز همین

حکم را دارد» (صدوق، ۱۳۹۱، ۵۶۴/۲). در روایت آمده است: «جبرئیل بر آدم نازل شد در حالی که حیا و عقل و ایمان را با خود آورده بود. جبرئیل به آدم گفت: خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید: از این سه خصلت یکی را انتخاب کن. آدم عقل را برگزید. جبرئیل به حیا و ایمان گفت: بروید. گفتند: خداوند به ما دستور داده که از عقل جدا نشویم. بنابراین، حیا در دین اسلام در رأس فضایل اخلاقی است» (صدوق، ۱۳۹۱، ۵۶۴/۲).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الاسلام عربان قلباسه الحیاء». هر انسان عاقلی، ارزش حیا و جایگاه آن را می‌داند و می‌فهمد که بی‌حیا بودن، خطاست و آثار ناخوشی دارد. حیا، لباس و حفاظی برای اسلام است و یک شخص مسلمان، با پوشش و حیا شناخته می‌شود، در غیر این صورت اسلامش عربان است. تمام عقلا و دانشمندان و بزرگان دین در هر کاری که اراده وارد شدن را دارند، اول سود آخرش را می‌بینند. بنابراین، زنی عقل دارد که حجاب خود را رعایت کند؛ زیرا می‌بیند که زنان بی‌حجاب در جامعه ارزشی ندارند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «من و پیامبر صلی الله علیه و آله در یک روز ابری و بارانی در بقیع نشسته بودیم که زنی سوار بر الاغ از آنجا گذشت. دست الاغش در گودالی فرو رفت و زن به زمین افتاد. پیامبر صلی الله علیه و آله رویش را برگرداند. حاضران عرض کردند: ای رسول خدا! آن زن شلوار بر پا دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار فرمود: «خدایا زنان شلوارپوش را بیامرز. ای مردم! شلوار بپوشید که شلوار پوشاترین جامه‌های شماسست و زنان خود را در موقعی که بیرون می‌آیند با شلوار حفظ کنید» (حلی، ۱۳۸۷، ۸۷/۲). در گذشته، شلوار پوشیدن در میان بسیاری از زنان عرب رواج نداشته است. بنابراین، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این حدیث به این امر مهم اشاره می‌کند که یک زن، باید طوری خود را بپوشاند که در صورت وقوع حوادث هم پوشش او محفوظ بماند.

هر وسیله‌ای که باعث زینت زنان است، استفاده آن در بیرون از خانه ممنوع شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از جمله پیمان‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از زنان امت خود گرفت، این است که چادرهای خود را در بین ساق پا و پشت خود جمع نکنند و بر بدن نچسبانند» (حر عاملی، ۱۳۷۹، ۱۸۵/۲۰). رفتار همراه با عفاف و رعایت حجاب همسران و دختران شهدای کربلا و حضرت زینب علیها السلام نمونه عملی متانت بانوی اسلام بود. امام سجاد علیه السلام نیز مراقب حفظ شوون آن بانوان

بود که در کوفه به ابن زیاد گفت: «مرد مسلمان و پاکدامنی را همراه این زنان بفرست، اگر اهل تقوایی!» (طبری، ۱۳۷۵، ۴/۳۵۰). به نقل از سیدبن طاووس، شب عاشورا، امام حسین علیه السلام در گفت‌وگو با خانواده‌اش، آنان را به حجاب و عفاف و خویشتن‌داری توصیه کرد. شب عاشورا با تمام وقایع و اتفاقات حیاتی و مهمی که داشت، موجب غفلت امام حسین علیه السلام از مسئله پوشش و عفت زنان نشد و در آن اوقات سخت مبارزه، به زنان فرمود که صدای خود را در ناله و شیون بلند نکنند که مبادا به نامحرمی صدایشان برسد. این مسئله بسیار ظریفی است که باید به آن توجه شود و افرادی که ادعای محبت به امام حسین علیه السلام دارند ولی به پوشش زنان خود توجه نمی‌کنند، بهتر است کمی در این نکات تأمل داشته باشند.

۷. پوشش همسران و دختران ائمه

۱-۷. ابزار پوشش در دوران امامان معصوم علیهم السلام

۱-۱-۷. جلباب

واژه جلباب در تعیین حدود حجاب، نقش مهمی دارد و بازشناسی دقیق آن به چگونگی بحث در محدوده پوشش، تأثیر فراوانی خواهد داشت. شاید همین نکته باعث تضارب آراء شگفتی درباره مفهوم دقیق آن شده است. جلباب، جامه‌ای است از چارقد بزرگتر و از عبا کوچکتر که زن با آن سر و سینه خود را می‌پوشاند. برخی، این معنا را پذیرفته‌اند و با اندک اختلافی در تعبیر در آثار خود آورده‌اند. (ر.ک.، طبرسی، ۱۳۳۷، ۱/۲۱۷)

۱-۲-۷. خمار

با بررسی مجموعه‌های لغوی می‌توان گفت که خمار وسیله‌ای برای پوشش سر زنان بوده است. راغب اصفهانی اصل آن را پوشانیدن اشیاء می‌داند: «خمار به وسیله‌ای که با آن چیزی را می‌پوشانند، گویند، ولی مختص به چیزی شده که زن، سر خود را با آن می‌پوشاند. جمع آن خمر است» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹).

مصطفوی نیز در کتاب التحقیق ذیل واژه خمار، پس از نقل اقوال لغویان در جمع بندی نهایی نوشته است: «خمر و خمار، به معنی ستر و پوشش است. شراب را خمر گویند؛ زیرا حواس ظاهری و باطنی را می پوشاند. به روسری زن نیز خمار گویند؛ زیرا بت آن سرش را می پوشاند». (مصطفوی، ۱۳۸۵، ۱۲۹/۳) در مجموع می توان نتیجه گرفت که خمار، سرپوش زن است.

۷-۱-۳. جیوب

«ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن؛ زنان بایستی روسری های خود را بر گریبان های خویش بزنند». جیوب، جمع جیب به معنای یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می شود. از فرهنگ های لغوی چنین بر می آید که جیب به معنی طوق گردن و مدخل زمین است. (فیومی، ۱۳۷۲، ۱۱۵/۱)

۷-۱-۴. معجر

مقنعه و روپوش زنان با لفظ بستن و درسرکشیدن و بر سر گرفتن، به یک معنی به کار می رود. (دهخدا، بی تا، ذیل واژه، ص ۷۳) لباس زنان عراق، پیراهنی بلند بوده که از کمر تنگ است و برقی بوده که صورت را می پوشانده و فقط چشم ها دیده می شد. زن ها هر وقت که بیرون می رفتند، همیشه بالای لباس، ردا و بر صورت نقاب استفاده می کردند. (گوستاولوبون، بی تا، ص ۱۳۴) اهل بیت علیهم السلام که همواره باره و سبک زندگی خود بهترین الگوی مردم بودند در حیا و عفت هم همواره پیش قدم بوده و در این میدان سبقت داشتند. آنها حریم خصوصی خانواده هایشان را محفوظ کرده و همیشه زنانشان را بر محمل سوار می کردند و بدون محمل، سوار بر شتر نمی شدند و حتی سایه ای از زنانشان را نامحرمان نمی دید.

۷-۲. پوشش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام تا آنجا که ضرورت نداشت از خانه خارج نمی شد. حتی زمانی هم که حضرت برای ایراد خطبه وارد مسجد شد و برای احقاق حق و ابطال باطل سخنرانی کرد در عین حفظ حریم و عفت بود. حضرت امام حسن علیه السلام در کیفیت این حضور حضرت در جمع می فرماید: «مادرم، روسری بر سر نمود و چارقد بلند خود را پوشید. در حال راه رفتن به گونه ای بود که لباسش به پا

گیر می‌کرد. او در میان زنان انصار از خانه خارج شد، همچون حضرت رسول ﷺ با وقار و متانت حرکت می‌کرد» (انصاری، ۱۴۲۸، ۵۰۱/۲۰). در قضیه فدک نیز شکل خاص حجاب حضرت زهرا علیها السلام را هنگام خروج از منزل این‌گونه توصیف کرده است: «حضرت زهرا علیها السلام هنگام خروج از منزل، مقنعه را محکم به سر بست و جلباب (چادر) را به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید به تن کرد و به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد حرکت کرد». این مطلب، گویای آن است که حجاب و پوشش حضرت فاطمه علیها السلام در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرمان، همان دو پوشش معروف بانوان در قرآن، یعنی خمار (مقنعه) و جلباب (چادر) بوده است. بنابراین، می‌توان این دو نوع حجاب و پوشش را حجاب و پوشش قرآنی و فاطمی دانست (ر.ک.، طبرسی، ۱۳۸۹، ۹۸/۱).

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در آخرین روزهای عمر پیربرکتشان، ضمن وصیتی به اسماء فرمود: «من بسیار زشت و زنده می‌دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه‌ای روی بدنش تشییع می‌کنند و افرادی اندام و حجم بدن او را مشاهده کرده و برای دیگران تعریف می‌نمایند. مرا بر تختی که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد، قرار مده بلکه مرا با پوشش کامل تشییع کن، خداوند تو را از آتش جهنم مستور و محفوظ نماید». (طوسی، ۱۳۶۴، ۴۲۹/۱) این بانوی پاک با این همه عظمت و جلالت و حراست از جایگاه بلند عفاف در زندگی، چون وارد قیامت شود فریادی برخواهد آمد: «ای مردم، چشم‌هایتان را ببندید تا فاطمه علیها السلام، دختر رسول اکرم صلی الله علیه و آله، عبور کند» (مجلسی، ۱۳۸۰، ۲۲۱/۴۳). این امر نه برای آن است که نامحرم است و اجازه دیدن آن حضرت را ندارند؛ زیرا در قیامت تکلیفی و حرمت و حلیتی نیست، بلکه وقتی آن حضرت با آن جلال می‌گذرد، اهل محشر توان دیدن آن را ندارند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۱). پیروی از آن بزرگوار و الگو گرفتن از ایشان در گروهی آن است که زن مسلمان، همچون ایشان حق را پاس دارد و بسان او از عفاف و حرمتش حراست کند و همانند آن حضرت، پوشش کامل را رعایت کند و وجود، زندگی و رفت و آمد و حضورش در جامعه، نمادی از عفاف، آزر و شکوه باشد (فتاحی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴).

وجود این حالات در حضرت زهرا علیها السلام از اهتمام ایشان به مسئله حجاب حکایت دارد. آن حضرت در توصیه‌ای به زنان می‌فرماید: «آنچه برای زنان نیکوست آن است که مردان را نبینند و مردان هم ایشان را نبینند» (مجلسی، ۱۳۸۰، ۸۴/۴۳). در جای دیگر می‌فرماید: «نزدیک‌ترین حالت زن به خدا، موقعی است که در خانه بماند». خلاصه اینکه توجه حضرت زهرا علیها السلام به حجاب تا لحظه مرگ هم ادامه داشت (دشتی، ۱۳۸۲، ص ۴۳۰). از سلمان فارسی نقل شده است: «روزی حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم که چادری وصله‌دار بر سر داشت» (دشتی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹).

۷-۳. پوشش حضرت زینب علیها السلام

شیخ مفید می‌گوید: «پس از شهادت امام حسین علیه السلام، گذار عمر سعد نزد زنان و دختران امام افتاد. زنان بر سر او فریاد زدند و گریستند و از او خواستند که آنچه را از آنان غارت شده به آنان بازگرداند تا با آن خود را بپوشانند. از اعتراض‌های شدید حضرت زینب علیها السلام به یزید این بود: «ای یزید، آیا از عدالت است که کنیزان خود را در حرمسرا پوشیده نگاه داشته‌ای و دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را به صورت اسیر شهر به شهر می‌گردانی، حجاب آنها را هتک کرده، چهره‌هایشان را در معرض دید همگان قرار داده‌ای که دور و نزدیک به صورت آنان نگاه می‌کنند؟». (مفید، ۱۳۸۰، ۱۱۳/۲) دختران و خواهران امام، موظف بودند تا حریم عفاف و حجاب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را حفظ و رعایت کنند. ام‌کلتوم خطاب به مأمور که آنها را به اسارت می‌برد، گفت: «وقتی ما را وارد شهر دمشق می‌کنید از دری وارد کنید که تماشاچی کمتری داشته باشد و از آنان درخواست کرد که سرهای شهدا را از میان کجاوه‌های اهل بیت فاصله بدهند تا نگاه مردم به آنها باشد. حرم رسول الله صلی الله علیه و آله را تماشا نکنند و گفت: از بس که مردم ما را در این حال تماشا کردند، خوار شدیم». (مفید، ۱۳۸۰، ۱۱۳/۲) باوجود مصیبتی که بر زنان و دختران امام حسین علیه السلام وارد شده بود، شاید اگر کسی جای آنها بود به حجاب توجه نمی‌کرد و به حال و روز خود و مصیبت فقدان عزیزان مشغول می‌شد، اما زنان امام حسین علیه السلام در آن شرایط سخت به فکر پوشش خود بودند تا دیده نشوند و در مقابل نامحرمان پوشیده باشند. حضرت زینب علیها السلام نیز از این موضوع شاکی بوده و اعتراض خود را به

مجلس یزید اعلام کرد که خاندان پیامبر نباید این طور بدون پوشش کافی در معرض دیدگان قرار بگیرند و پوشش و حیا از خصلت‌های جدا نشدنی زنان اهل بیت علیهم‌السلام است. زینب کبری علیها‌السلام عفت خود را حتی در سخت‌ترین شرایط به نمایش گذاشت. او در دوران اسارت و در حرکت از کربلا تا شام، سخت بر عفت خود پافشاری می‌کرد. مورخین نوشته‌اند: «او صورت خود را با آستینش می‌پوشاند، چون روسری‌اش از او گرفته شده بود» (اصفهانی، ۱۳۴۱، ص ۱۵۶).

شرط حضور زن در اجتماع، حفظ وقار و عفاف در روش و منش است. در قرآن کریم و آیات متعدد آن به مظاهر و نمودهای این مسئله اشاره‌های گوناگونی شده است. آمد و شد و حضور عینی زن در جامعه، نباید تحریک‌آمیز باشد. قرآن کریم درباره شیوه حرکت عفاف‌آمیز دختران شعیب می‌گوید: «یکی از آن دو زن که به آرم راه می‌رفت، نزد او آمد و گفت: پدرم تو را می‌خواند تا مزد آب دادنت را بدهد» (قصص: ۲۵). گویا گام زدن او، جلوه تمام عیار حیا و عفاف است که قرآن به این صورت از آن یاد می‌کند.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق می‌گوید: «نکره آمدن کلمه استحياء برای بزرگداشت مسئله است و مقصود از با حالت شرم راه رفتن این است که عفت و نجابت از طریق راه رفتنش هویدا بود». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶/۲۶۰) ام‌کلثوم علیها‌السلام بی‌حجاب دیده شدن را مایه خاری و کوچک شدن بیان می‌کند؛ زیرا پوشش و حجاب، همواره موجب بزرگی و محترم بودن زن است که ارزش‌هایی فراتر از زیبایی ظاهری دارد. رسالت عظیم اهل بیت علیهم‌السلام در حفظ پوشش، ام‌کلثوم علیها‌السلام را وامی‌دارد که از دشمن تقاضا کند زمینه نظاره‌گری خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را کاهش دهد و برای استتار خود، از سر عزیزانش کمک می‌گیرد، اما دشمن تقاضا را رد می‌کند تا ضربات روحی را به‌طور کامل وارد کند، غافل از اینکه روح آرم و حیا در رگ‌های این بزرگواران دمیده است. بنابراین، این پیام توسط سکینه، دختر امام حسین علیه‌السلام، به یکی از صحابه می‌رسد تا به گوش زنان در همه عصرها برسد: «سهل بن سعد ساعدی گفت، بر دروازه دمشق رفتیم. بیرق‌هایی پی‌درپی پیدا شد و سواری دیدم که بیرقی در دست داشت. پیکان از بالای آن بیرون آورده سری بر آن بود روشن، شبیه‌ترین مردم به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ناگاه دیدم از پشت سر وی زانی بر شترانی

بی‌روپوش سوارند. نزدیک شدم و از نخستین زن پرسیدم کیستی؟ گفت: سکینه، بنت الحسین علیها السلام. گفتم حاجتی داری تا برآرم؟ من سهل بن سعد ساعدی هستم. جد تو را دیدم و حدیث او را شنیدم. گفت: ای سهل! به حامل این سر بگو که آن را جلوتر ببرد تا مردم مشغول نگریستن آن شوند و به حرم رسول نگاه نکنند. سهل گفت: چهارصد دینار دادم تا آن را انجام دهد» (ابومخنف، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲).

سکینه علیها السلام همان دختر جوانی است که قبل از این در میدان قتلگاه با پیکر پدر درد و دل‌ها کرد: «پدر جان به سرهای برهنه ما بنگر». (قزوینی، ۱۳۷۵، ص ۷۵) نهضت عاشورا برای احیای ارزش‌های دینی بود. در سایه آن، حجاب و عفاف زن مسلمان نیز جایگاه خود را یافت و امام حسین علیها السلام و زینب کبری علیها السلام و دودمان رسالت چه با سخنانشان و چه با نحوه عمل خود، یادآور این گوهر ناب شدند.

برای زنان، زینب کبری علیها السلام و خاندان امام حسین علیها السلام الگوی حجاب و عفاف هستند. اینان در عین مشارکت در حماسه عظیم و ادای رسالت حساس و خطیر اجتماعی، متانت و عفاف را هم رعایت کرده و اسوه همگان شدند. عصر عاشورا، وقتی دشمن به خیمه‌ها حمله کرد، بچه‌ها به میان بیابان‌ها فرار کردند و پراکنده شدند. مردی عرب از سپاهیان یزید، دختر امام حسین علیها السلام به نام فاطمه صغری را دنبال کرد. آن عرب با ته نیزه به پشت دخترک زد و هنگامی که به زمین افتاد، آنچنان گشواره‌های دخترک را از گوشش بیرون کشید که گوش‌هایش پاره شد. زمانی که به هوش می‌آمد اولین درخواستی که این دختر دارد آن است که عمه جان! آیا پارچه‌ای پیدا می‌شود سرم را از چشم نامحرمان بپوشانم؟ هدف از نقل این نمونه‌ها، نشان دادن این نکته است که خاندان امام حسین علیها السلام نسبت به حجاب و عفاف خود مواظبت داشتند و از این رفتار دشمن که حریم حرمت عترت پیامبر صلی الله علیه و آله را نگاه نداشته‌اند و آنان را در معرض تماشای مردم قرار دادند، انتقاد می‌کردند. با اینکه در اسارت دشمن بودند و آنان را داغدار و مصیبت‌زده از منزلی به منزلی، از شهری به شهری و از درباری به درباری می‌بردند، از اهداف شهدا باز نمی‌ماندند؛ حرکت

اجتماعی-سیاسی در عین حفظ حجاب و عفاف که این درسی است برای بانوان در همه دوران‌ها و همه شرایط. (محدثی، ۱۳۸۵، ص ۹۰)

۷-۴. پوشش کنیزان

تفاوت کنیز با زن آزاده در حجاب این است که بر کنیز، واجب نیست سرش را بپوشاند. یکی از دلایل این امر این بود که در بیشتر مواقع، زنان آزاد با کنیزان مخلوط می‌شدند. با دستور پوشش، این مشکلات حل شد. از طرف دیگر، به دلیل مسئولیت خدمتکاری آنها بود. کنیزان کارهای داخل و خارج از خانه را انجام می‌دادند و مرتب در فعالیت بودند. برای اینکه در این زمینه راحت‌تر باشند، این تکلیف از آنان برداشته شد. البته وجوب پوشش سر برداشته شده، نه اینکه ملزم به باز گذاشتن سر باشند. (ر.ک.، مهریزی، ۱۳۸۹) یکی از فلسفه‌های حجاب این است که جلوی خودنمایی و جلوه‌گری زن گرفته شود. از آنجا که کنیزان کار می‌کردند و به سر و صورت خود رسیدگی نمی‌کردند، پس باز بودن سرشان نباید چندان نقشی در جلب توجه نگاه مردان داشته باشد. بنابراین از آن روزگار نقل نشده که مردم پیش اولیای دین آمده باشند و بگویند که باز بودن سر کنیزان سبب فساد و فحشا و چشم‌چرانی شده است. براین اساس، می‌توان گفت که عدم وجوب پوشش سر برای کنیزان، منافاتی با فلسفه حجاب ندارد. (مطهری، ۱۳۹۰، ۱۹/۴۸۹)

از جمع‌بندی روایات و گزارش‌های موجود می‌توان به این نتیجه رسید که براساس مکتب شیعی، پوشش سر برای کنیزان در نماز و غیر آن واجب نیست. البته منعی هم ندارد، بلکه می‌تواند مستحب باشد. بیشتر فقهای متقدم نیز به همین فتوا داده‌اند. از طرفی، اولین گزارش تنبیه کنیزان در صورت پوشش سر، مربوط به زمان خلیفه دوم است و روایاتی در زمینه چنین تنبیهی در منابع شیعی نیز وجود دارد که شاید ناشی از تقیه بوده و بیانگر تفکر حاکم باشد. باتوجه به واقعیت برده‌داری در زمان ظهور اسلام این دین با وجود مبارزه تدریجی با آن، احکامی نیز برای بردگان در نظر گرفت که یکی از آنها موضوع حجاب کنیزان بود. باتوجه به آیات و روایات،

حجاب زنان و کنیزان را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد. دوره هم‌گونی حجاب زنان آزاد با حجاب کنیزان و دوره تفاوت حجاب زنان آزاد با حجاب کنیزان.

۷-۴-۱. دوره همگونی حجاب زنان آزاد با حجاب کنیزان

باتوجه به برخی آیات قرآن، گویا حجاب همه زنان اعم از کنیز و غیر کنیز تا زمان نزول آیات همانند بوده است و پس از آن تفاوتی بین حجاب آنان ایجاد شده است. سوره نور، به‌طور خاص دستور حجاب کامل‌تر به زنان مؤمنه می‌دهد و جزئیاتی از حجاب را مطرح می‌کند که از قبل رعایت نمی‌شد. از سوره احزاب مشخص است که رعایت حجاب کامل اسلامی از طرف زنان، قبل از نزول این آیه لازم نبوده و فرقی بین زنان آزاد و کنیزان نبوده است. (ر.ک: مهریزی، ۱۳۸۹)

۷-۴-۲. دوره تفاوت حجاب زنان آزاده و کنیزان

در بررسی‌های قرآنی-تاریخی، نقطه جدایی و تفاوت حجاب کنیزان با زنان آزاده را می‌توان نزول آیه پنجاه و نهم سوره احزاب دانست. در شأن نزول این آیه چنین آمده است: «عده‌ای از افراد لایبالی به خصوص شب هنگام، مزاحم دختران و زنان پاکدامن می‌شدند و بهانه آنان شباهت ظاهری شان با زنان فاسده و کنیزان بود. خداوند دراین باره دستور جدیدی ابلاغ کرد و فرمود: ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو، جلباب‌های خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است؛ یعنی اگر این حجاب کامل را رعایت کنند از دیگر افراد متمایز شده و به‌صورت معمول مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گیرند» (طبرسی، ۱۳۳۷، ۵۸/۸). تکمیل حجاب در این آیه باتوجه به معنای آن، مربوط به حجاب سر و گردن است و باتوجه به روایات، مخصوص زنان آزاد بود و می‌توان فهمید که در جامعه آن روز به این قسمت از حجاب اهمیتی داده نمی‌شد و بودند دختران و زنانی که چنین حجابی نداشتند. باید دقت شود که معنای این آیه، لزوم بی‌حجاب بودن کنیزان نیست، همان‌طور که نمی‌توان اجازه اذیت و آزار کنیزان و نظر شهوانی و گفت‌وگوهای هوس‌انگیز با آنان را از آیه برداشت کرد (طبرسی، ۱۳۳۷، ۵۸/۸). اولین گزارش اجبار کنیزان به نپوشاندن سر، در دوران خلیفه دوم نقل شده است. بغوی

در تفسیر خود روایتی نقل می‌کند: «روزی کنیزکی که روی خود را پوشانده بود از جلوی دیدگان عمر، خلیفه دوم گذشت. عمر به او دشنام داد و با شلاق به او ضربه زد و گفت: آیا خود را شبیه زنان آزاد کرده‌ای؟» (بغوی، ۱۴۲۳، ۶۶۴/۳).

۸. نتیجه‌گیری

پوشش اسلامی برای زنان، از ضروریات دین مقدس اسلام است. از آنجا که خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام به طور مداوم در دید و توجه مردم بوده و الگوی افراد بوده‌اند در مسئله حجاب هم از این بزرگواران تقلید می‌کردند؛ زیرا آنان آینه تمام‌نمای احکام الهی هستند. برای مثال حضرت زهرا علیها‌السلام در بیرون از خانه و در رویارویی با نامحرمان، پوشش کامل یعنی روسری بلند و چادری که به زمین کشیده می‌شد، داشتند. حضرت زینب علیها‌السلام نیز بعد از واقعه کربلا از اینکه یزید زنان خود را پشت پرده و زنان ائمه علیهم‌السلام را بدون حجاب جلوی نامحرمان قرار داد، اعتراض کرد. ایشان در هر شرایطی که بودند از عفت و حجاب خود غافل نمی‌شدند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
- ۱. ابن سعد، محمد (۱۳۷۴). طبقات الکبری. تهران: فرهنگ و اندیشه.
- ۲. ابن ماجه، محمد (۱۳۷۰). سنن ابن ماجه. بیروت: دارالجیل.
- ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- ۴. ابومخنف، لوط بن یحیی (۱۳۸۷). مقتل الحسین. تهران: معناگرا.
- ۵. اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۳۴۱). خصائص الزینبیه. نجف.
- ۶. انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل (۱۴۲۸). الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهرا علیها‌السلام. قم: دلیل ما.
- ۷. آمدی، ابوالفتح (۱۳۷۵). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ۸. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۳). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- ۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). زن در آینه جلال و جمال. قم: دارالهدی.
- ۱۰. جوهری، اسماعیل (۱۴۱۰). اصحاح تاج اللغة العربیه. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۱۱. حر عاملی (۱۳۷۹). وسائل الشیعه. قم: لایحیاء التراث.
- ۱۲. حکیم الهی، هدایت الله (۱۳۴۲). زن و آزادی. قم.

۱۳. حلی، ورام بن ابی فراس (۱۳۸۷). تنبیه الخواطر. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۱۴. دزی، رابنهاربیتران، (۱۳۸۸). فرهنگ البسه مسلمانان، ترجمه: حسینعلی هروی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. دشتی، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (بی‌تا). دایره المعارف. تهران: سازمان لغت نامه دهخدا.
۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالشامیه.
۱۸. زمخشری، جارالله (۱۴۲۴). الکشاف. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۱۹. سجستانی، ابو داوود (۱۴۳۲). سنن ابو داوود. بیروت: المکتبه العصریه.
۲۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۸۵). من لایحضره الفقیه. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۲۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۹۱). علل الشرایع. قم: مؤمنین اندیشه هادی.
۲۲. صنیعی، حسن (۱۳۹۰). حجاب زنان از دیدگاه قرآن و روایات. قم: مهدیه.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۳۷). تفسیر مجمع البیان. تهران: ناصر خسرو.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۹). طبرسی الاحتجاج. تهران: نشر المرتضوی.
۲۶. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری. بیروت: بی‌تا.
۲۷. طبری، محمد بن جریر (۱۴۳۰). جامع البیان. بیروت: دارالمعرفه.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن بن علی بن حسن (۱۳۶۴). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن بن علی بن حسن (۱۳۸۵). التبیان فی تفسیر القرآن. قم: دارالحیاء التراث العربی.
۳۰. فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۸). حجاب از دیدگاه قرآن و سنت. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد (۱۳۷۲). المصباح المنیر. قم: دارالهجره.
۳۲. قزوینی، ملارضی (۱۳۷۵). تظلم الزهرا. قم: شریف الرضی.
۳۳. قمی، عباس (۱۳۸۰). ترجمه نفس الهموم. قم: مسجد مقدس جمکران.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۳۵. گوستاولوبون (بی‌تا). تمدن اسلام و عرب. تهران: کتاب فروشی اسلامیه.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۱). بحار الانوار. تهران: الاسلامیه.
۳۷. محدثی، جواد (۱۳۸۵). پیام‌های عاشورا. قم: زمزم هدایت.
۳۸. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مسئله حجاب. قم: صدرا.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. قم: صدرا.
۴۱. مفید، محمد بن نعمان (۱۳۸۰). الارشاد. تهران: الاسلامیه.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۴۳. مهریزی، مهدی، مشهدی علی پور، مریم (۱۳۸۹). نگاه دوباره به ویژگی‌های زن در عصر جاهلیت، نشریه بانوان شیعه، ۲۳، ۳۶-۷.
۴۴. نجوی، صالح الجواد (۱۳۸۱). زن در نهج البلاغه. قم: انتشارات مهدیه.